

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: صرف ساده، بفش عربی (از ص ۱۸۵ تا پایان کتاب)

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. جمله «ما ختم بالألف الواقعة في آخر الاسم المعرب لا همزة بعدها»، تعریف چیست؟
 ا. اسم منقوص ب. اسم مقصور ج. اسم شبه صحیح د. اسم ممدود ۱۹۳
۲. با توجه به مباحث «اسم تفضیل»، کدام مورد صحیح است؟
 ا. اسم تفضیل هیچ‌گاه با خود ضمیر بارز یا مستتر ندارد ب. اسم تفضیل مضاف به نکره، شش صیغه دارد ۲۲۶-۲۲۷
۳. در اسم تفضیل مضاف به معرفه، مطابقت اسم با موصوفش واجب است ج. در اسم تفضیل گاهی به معنای صفت مشبیه می‌آید د. اسم تفضیل مضاف به معرفه، مطابقت اسم با موصوفش واجب است ۲۴۷-۲۴۸
۴. با توجه به قواعد «الحاق علامت تأنیث به فعل»، کدام مثال صحیح است؟
 ا. جاءت فاطمة و ذهب ب. البئر امتلاً ج. جاءت الرجال د. سأل مريم وأجبت ۲۸۴
۵. کدام کلمه مثال برای «اسم جمع» است؟
 ا. تمر ب. عرب ج. بیوتات د. قوم ۲۸۴

سؤالات تشریحی:

۱. سیر قواعد اعلال در اسماء زیر را بنویسد. ۱۹۵-۱۹۸
 ا. دُعَاو: تُقَلَّبُ الواوُ همزةً وجوباً إذا تَطَرَّفْنَا بعد الفِ زائدة. دَعَاو ← دَعَاء
 ب. تَرَجُّو: تُقَلَّبُ الواوُ ياءً وجوباً إذا تَطَرَّفْتُ و سَبَقَتْهَا ضمةً. تَرَجُّو ← تَرَجُّو ثمَّ تبدل الضمة قبل الياء كسرةً وجوباً إذا كانت الياء غيرَ فاءِ الفعل: تَرَجُّو ← تَرَجُّو.

۲. مصدر «مؤول» و «اسم مصدر» را تعریف کرده، برای هر یک مثالی بزنید. ۲۰۸-۲۰۹
 المصدر المؤول ما يستنتج من الاحرف المصدرية(ما، أن، أن، كى، لو) و ما بعدها نحو: «حتى اذا ضاقت عليهم الارض بما رحبت»، ای برحبها. اسم المصدر: هو اسم يدل على حاصل معنى المصدر و نتيجه نحو: الغسل.

* الصفة المشبهة اسم مشتق يدل على صفة و صاحبها و ثبوت تلك الصفة له. ۲۱۸-۲۱۹

۳. ا. با توجه به عبارت، صفت مشبیه را با ذکر مثال تعریف کنید. ب. در چه مواردی اسم فاعل و اسم مفعول حکم صفت مشبیه را پیدا می‌کنند؟

ا. اسمی است که بر صفتی و صاحب آن صفت دلالت می‌کند و می‌فهماند که آن صفت برای صاحبش ثابت می‌باشد. ب. اگر با قرینه فهمیده شود که منظور از اسم فاعل و اسم مفعول معنای ثبوتی است، حکم صفت مشبیه را پیدا می‌کنند، مثل: طاهر القلب و معتدل القامة.

ج. فعل مؤنث «اخرجت»، ضمیر مؤنث «أثقالها»	أ. «الْأَرْضُ»: وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا: (زلزله/۲)
ج. اسم اشاره «هذه»، صفت مؤنث «التي...»	ب. «جَهَنَّمَ»: هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ: (یس/۶۳)
ج. صفت مؤنث «جاریه»	ج. «عَيْنٌ»: فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ (غایشیه/۱۲)
ج. ضمیر مؤنث «ضحیها»	د. «الشَّمْسُ»: وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا: (شمس/۱)

ج. مُصْطَفَيَانِ - مُصْطَفَيَيْنِ	أ. مصطفی
ج. دعاءان - دعاوان	ب. دعاء
ج. أخوان	ج. أخ
ج. عبد الله - عَبْدِيِ اللَّهِ	د. عبدالله

جمع قلّه: ما دلّ على الثلاثة الى العشرة - أوزان: أفعلة: أعلمة أفعّل: أشهر فعلة: غلّمة أفعال: أفراس.

المثنی ینسب إلى مفردة نحو: الزیدان: زیدی، إلا أن ینسب إلى لفظه نحو: کاظمین: کاظمینی.

۸. با توجه به عبارت، معنای این که تصغیر، اسم «صفت» را از نظر معنا «صفت و موصوف» می کند را در ضمن مثالی توضیح دهید.

رجل قبل از تصغیر شدن فقط موصوف بود و معنای صفتی در خود نداشت؛ اما پس از تصغیر شدن به معنای مرد کوچک شد و در برگیرنده معنای موصوف (مرد) و معنای صفت (کوچک) گردید.

أ. المعرفة اسمٌ يدل على معین معلوم.

ب. علم مثل: محمد، معرف به آل مثل: الیوم، ضمیر مثل: هو، اسم اشاره مثل: هذا، موصول مثل: الذي، معرف به اضافه مثل: غلام زید، معرف به نداء یا همان نكرة مقصوده مثل: یا شرطی.